

همگرایی اصول کلی قابل اعمال حقوق بین‌الملل با سازوکارهای حل و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی (پژوهشی)

محمدرضا ضیائی بیگدلی *

رهام دالائی **

(DOI) : 10.22066/cilamag.2025.2052027.2679

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱

چکیده

اساساً نظر به اینکه سازمان تجارت جهانی با وجود ماهیت تجاری و ریشه خود در حقوق خصوصی و آزادی تجاری، یکی از سازمان‌های تابع حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود، باید نوعی همگنی میان چارچوب این سازمان با حقوق بین‌الملل قائل بود. اما تفاوت‌های عملکردی سازمان می‌تواند ایجاد شبهه کند. گاه در فرآیندهای سازمان تجارت جهانی یا نهاد حل و فصل اختلاف آن، قضایایی پدید می‌آیند که ممکن است در نگاه اول، باعث ایجاد نوعی تضاد میان اصول تجاری سازمان و اصول کلی قابل اعمال حقوق بین‌الملل شوند. این در حالی است که رکن حل و فصل اختلاف سازمان در عمل، به قواعد حقوق بین‌الملل، مثل صلاحیت استناد می‌کند. این مسئله از چند منظر منابع ماهوی حقوق سازمان تجارت جهانی، اصول و قواعد عام حقوق بین‌الملل قابل بررسی است. در پژوهش پیش روی تلاش می‌شود با تکیه بر روش‌شناسی میان‌رشته‌ای و استفاده از قضایای مطروحه نزد نهاد حل اختلاف سازمان و دکترین حقوق سازمان تجارت جهانی، همگنی پیش‌گفته تصدیق شود و امید است پژوهش حاضر در فرآیند احتمالی الحاق ایران به سازمان، نقاط ابهام نظری ممکن را رفع و پیش‌زمینه نظری و مرجع راجع به همگنی حقوق بین‌الملل با سازوکارهای حل و فصل اختلاف سازمان را طرح کند.

واژگان کلیدی

حقوق تجارت بین‌الملل، حقوق بین‌الملل، سازمان تجارت جهانی، حقوق بین‌الملل اقتصادی، حل و فصل اختلاف بین‌المللی

* نویسنده مسئول، استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران reza.zb.ziai@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران rohamdalaei@outlook.com



مقدمه

با برگزاری کنفرانس برتون وودز به سال ۱۹۴۴ در نیوهمپشایر، ساختار نظام اقتصادی جهان پس از جنگ جهانی دوم تا حدودی تبیین شد؛ ساختاری که صندوق بین‌المللی پول، بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و سازمانی بین‌المللی راجع به تجارت، سه ستون آن بودند.^۱ تا قبل از کنفرانس برتون وودز و آغاز حرکت اقتصاد و تجارت بین‌الملل به سوی جهانی‌سازی و نهادهای تجاری چندجانبه مثل گت،^۲ اقتصاد بین‌الملل به شدت تحت تأثیر بحران اقتصادی دهه ۲۰ و ۳۰ میلادی قرار داشت و در واقع این دهه‌ها، دوره آغاز فرایند تغییر شرایط اقتصاد بین‌الملل از شیوه سنتی و لیبرالی قدیم بودند؛ فرایندی که نتیجه آن پس از جنگ جهانی دوم و با حذف استاندارد طلا و ایجاد نهادهای بین‌المللی مثل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، نمایان شد. ریشه این تغییر و تحول برخورد کشورهای جهان با اقتصاد بین‌الملل و نظام استاندارد طلا، در راستای از حرکت نایستادن چرخ نابودگر جنگ بود. در نهایت دولت‌ها به‌ناچار، اصل پشتوانه پول ملی بودن طلا را متوقف و پول بدون پشتوانه برای تأمین منابع مالی خود چاپ کردند.^۳ این شرایط بود که کشورهای پیروز در جنگ جهانی دوم را مجاب به ایجاد ساختاری مشخص و منظم برای اقتصاد بین‌المللی و به تبع آن، تجارت بین‌المللی در برتون وودز کرد.

تولد سیستم تجاری و اقتصادی بین‌المللی پسا جنگ جهانی دوم از بطن اقتصاد کینزی، نقشی پررنگ‌تر به معاهدات بین‌المللی، بالاخص معاهدات تجاری بین‌المللی در صحنه بین‌المللی داده است (بند ۱ از ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری).^۴ هرچند ممکن است برخی استدلال کنند که قواعد سازمان تجارت جهانی، نظامی مجزا و منفک از حقوق بین‌الملل است، به نظر نمی‌رسد بتوان آن را هم‌اکنون نظامی یکپارچه و جدا از حقوق بین‌الملل دانست.^۵ این‌گونه ممکن است سؤال پیش آید که اساساً سازمانی همچون سازمان تجارت جهانی و قوانین و مقررات آن و سازوکارهای اساسی آن مثل نهاد حل و فصل اختلاف سازمان، چه رابطه‌ای با حقوق بین‌الملل دارند؟ بالاخص باید در نظر داشت که در جهان معاصر، حقوق بین‌الملل نقشی شاخص و متمایز از آنچه به‌عنوان حقوق بین‌الملل عمومی کلاسیک شناخته می‌شود دارد. در واقع حضور اشخاص خصوصی در صحنه

۱. ماتیاس هردگن، *اصول حقوق بین‌الملل اقتصادی*، ترجمه: محمد ضیائی بیگدلی و صادق ضیائی بیگدلی، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷)، ۸۲.

۲. The General Agreement on Tariffs and Trade (GAAT 1947) https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/gatt47_e.htm

۳. Barry Eichengreen. *Globalizing Capital: A History of the International Monetary System*. (New Jersey: Princeton University Press. 2008) 44-45.

۴. "1. The Court, whose function is to decide in accordance with international law such disputes as are submitted to it, shall apply: a. international conventions, whether general or particular, establishing rules expressly recognized by the contesting states; b. international custom, as evidence of a general practice accepted as law..."

۵. همان، ۱۲۱.

بین المللی، حقوق بین الملل عمومی را تحت تأثیر قرار داده است، به ویژه با توسعه معاملات و ارتباطات قراردادی بازرگانی میان اتباع کشورها و دولت‌ها با یکدیگر در چارچوب موافقت‌نامه‌های تجاری و غیرتجاری بین المللی، رشد صادرات و واردات کالاها و خدمات بر مبنای توافق‌های تجاری بین المللی، فیصله اختلاف‌های بین المللی با شیوه‌های همچون داوری بین المللی و ...^۶

نکته قابل توجه این است که به صورت مبنایی سازمان تجارت جهانی مانند سایر سازمان‌های بین‌الدولی در زمره تابعان فعال حقوق بین الملل محسوب می‌شود و اصل و اساس این است که حقوق سازمان‌های بین المللی در هر حال، حاکم بر سازمان تجارت جهانی است. فی الواقع سازمان تجارت جهانی طبق قواعد و تعریف حقوق بین الملل، یک سازمان بین المللی تابع حقوق بین الملل است و موافقت‌نامه مؤسس آن، تابع حقوق معاهدات بین المللی قرار می‌گیرد. به هر روی، با وجود عدم ذکر مقرره‌ای صریح در مورد رابطه حقوق سازمان تجارت جهانی با حقوق بین الملل و برخی عقیده‌ها بر مجزای بودن حقوق سازمان از حقوق بین الملل،^۷ به نظر باید حقوق سازمان تجارت جهانی را شاخه‌ای از حقوق بین الملل فرض کرد و به طور مثال، این استدلال مخالفان را مردود دانست که بسیاری از مذاکره‌کنندگان در فرآیند ایجاد سازمان تجارت جهانی، اساساً نظری به حقوق بین الملل نداشتند. در واقع در بسیاری از ابعاد، حقوق سازمان تجارت جهانی (معاهدات، اسناد و قواعد فراگیر بین اعضا) نوعی قانون خاص^۸ در برابر قواعد و مقررات عام حقوق بین الملل هستند. اما این بدین معنا نیست که این قوانین و مقررات خاص، مطلقاً خارج از ساختار حقوق بین الملل ایجاد شده‌اند یا به طور کامل در بطن آن ساختار شکل گرفته‌اند. برای مثال می‌توان نمونه‌هایی از تأثیرپذیری سازمان از حقوق بین الملل در سازوکار حل و فصل اختلاف در زمینه مسئولیت دولت‌ها را مشاهده کرد. علاوه بر آن وفق ماده ۹۳^۹ تفاهم‌نامه حل و فصل اختلاف، مشخصاً شیوه تفسیر بر اساس حقوق بین الملل اعلام شده است. از سوی دیگر باید در نظر داشت که حقوق سازمان تجارت جهانی، در راستای تنظیم روابط تجاری بین‌الدولی است و این مقررات، ماهیتاً به دنبال آزادسازی فرآیند تجاری هستند که این امر ذاتاً می‌تواند بر بسیاری از ابعاد اجتماع و حقوق، تأثیر بگذارد. به طور مثال، این آزادسازی گاه ممکن است با حقوق محیط‌زیست و حقوق بین الملل بشر در تعارض قرار گیرد و در مقابل، ممکن است تأکید بیشتر بر حقوق محیط‌زیست و حقوق بشر، آزادسازی تجاری را تحت الشعاع قرار دهد.^{۱۰}

۶. محمد رضا ضیائی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹)، ۱-۲.

7. Wenwei Guan. *WTO Jurisprudence: Governments, Private Rights and International Trade*. (New York: Routledge, 2020) 6.

8. *lex specialis*

9. "...The dispute settlement system of the WTO is a central element in providing security and predictability to the multilateral trading system. The Members recognize that it serves to preserve the rights and obligations of Members under the covered agreements, and to clarify the existing provisions of those agreements in accordance with customary rules of interpretation of public international law..."

10. Joost Pauwelyn. "The Role of Public International Law in the WTO: How far can we go?" *American*

به هر روی، با توجه به فرآیند مذکور و تولد سازمان تجارت جهانی از بطن روابط حقوقی و تجاری بین‌المللی، لازم است نقش حقوق بین‌الملل در سازمان تجارت جهانی، بالاخص اصول بنیادین مشترک فی‌مابین و ساختار حل و فصل اختلاف‌های سازمان مورد مذاقه قرار گیرد. البته مناسب است که پیش از آن، به اصل آزادی تجاری نیز به‌عنوان یکی از اهداف و اصول اساسی ساختار سازمان اشاره شود؛ این اصل از مجرای کاهش تعرفه‌ها و حذف موانع غیرتعرفه‌ای اجرایی می‌شود و در واقع در همین راستاست که مقدمه معاهده سازمان، این امر را متضمن سودمندی^{۱۱} متقابل مطرح کرده است.^{۱۲} در واقع آزادسازی تجاری بر این مبنا استوار شده که تجارت بین‌المللی و تقسیم نیروی کار در جامعه جهانی برای اقتصادهای ملی متضمن منفعت است. اساس این مبنا بر استدلال‌هایی است که *آدم/اسمیت* در «ثروت ملل»^{۱۳} و *دیوید ریکاردو* و *جان استوارت میل* در نظریه «مزیت نسبی» مطرح کردند.^{۱۴}

با توجه به اینکه موضوع این پژوهش می‌تواند با بهره‌گیری از رویه حاضر و دکترین غالب، باعث تغییر برداشت نظری و عملی از تأثیرپذیری حقوق بین‌الملل بر سازمانی تجارت جهانی شود و نظر به اینکه این همگنی و روابط فی‌مابین اصول حقوق بین‌الملل و حقوق سازمان تجارت جهانی، کمتر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است، امید می‌رود نگرارش این پژوهش بتواند در فرآیند الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، به‌عنوان مبنای مرجع و نظری، یاری‌رسان سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران امر باشد و پیش‌زمینه ساختاری و ذهنی برای ایشان در تصمیم‌گیری‌های اساسی ایجاد نماید و چه بسا بتواند در روزگار پس از الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و به هنگام بروز قضایای مختلف در نهاد حل و فصل اختلاف سازمان، به‌عنوان مرجع نظری و عملی مورد استفاده اندیشمندان و حقوق‌دانان قرار گیرد؛ بالاخص که اساساً درنظرداشتن موارد مطروحه در این پژوهش می‌تواند به نگرشی نوین در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی پس از الحاق کمک کند و به نحوی مقنین با درنظرداشتن شرایط عمومی بین‌المللی این همگنی، اقدام به تصمیم‌گیری در موضوعات ذیل حاکمیت حقوق سازمان تجارت جهانی نمایند تا منافع ملی و مملکتی به نحو حداکثری مورد محافظت و صیانت قرار گیرد.

در مقاله پیش روی، تلاش می‌شود برای پاسخ به پرسش چگونگی همگنی میان حقوق

Journal of International Law 95, 3 (2001):538-539.

11. "...Being desirous of contributing to these objectives by entering into reciprocal and mutually advantageous arrangements directed to the substantial reduction of tariffs and other barriers to trade and to the elimination of discriminatory treatment in international trade relations, Resolved, therefore, to develop an integrated, more viable and durable multilateral trading system encompassing the General Agreement on Tariffs and Trade..."

۱۲. ضیائی بیگدلی، همان، ۴۰۷.

13. The Wealth of Nations

۱۴. هردگن، همان، ۱۳۰.

بین الملل و سازوکار حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی، در یک مسیر استدلالی منطقی، از کل به جزء رسیده شود. در قدم اول، مبنای نظری همگنی و اشتراک اصول بنیادین حقوق بین الملل و حقوق سازمان تجارت جهانی به عنوان گهواره بحث، مطالعه می شود و پس از انگاشت طرح کلی بحث و ورود به جزء اساسی این طرح، با مذاقه در سازوکارهای حل و فصل اختلاف های سازمان تجارت جهانی و با بهره گیری از قضایای مطروح و رویه قضایی سازمان، همگنی این جزء، یعنی سازوکار حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی با حقوق بین الملل تشریح خواهد شد.

۱. اصول بنیادین مشترک حقوق بین الملل و حقوق سازمان تجارت جهانی

۱-۱. اصل برابری حاکمیت کشورها^{۱۵}

این اصل را که اساساً در بند ۱ از ماده ۲ منشور ملل متحد^{۱۶} نیز مطرح شده، باید از اهداف اساسی و اصلی سازمان تجارت جهانی برای نظم بندی تجارت بین المللی دانست و تجلی آن را می توان در مشارکت اعضا در کلیه ارکان سازمان، در تصمیم گیری ها (ماده ۱۷۱۶ موافقت نامه مؤسس سازمان) و در اجرای قواعد ماهوی سازمان ملاحظه نمود. البته در مواردی سازمان تجارت جهانی سعی بر آن دارد تا از برابری شکلی فراتر رفته و برابری واقعی و اقتصادی و تجاری اعضا را محقق سازد، از جمله حمایت خاص از کشورهای در حال توسعه عضو سازمان از طریق اتخاذ رفتار ترجیحی نسبت به آنها بر اساس مقررات معروف به «تجارت و توسعه» مصوب ۱۹۶۴ یا ایجاد نظام عمومی ترجیحات که مطابق آن، کشورهای توسعه یافته می توانند برخی امتیازات تعرفه ای را برای کشورهای در حال توسعه به عنوان استثنایی بر شرط ملتهای کامله الوداد در نظر گیرند.

۱-۲. اصل رفتار متقابل

یکی از ضمانت اجرای حقوقی مؤثر در تثبیت حقوق بین الملل در سطح بین المللی، اقدام های متقابل در قبال کشورهای متخلف از منظر حقوق بین الملل مثل دفاع مشروع و رفتار متقابل است.^{۱۸} در حقوق بین الملل، از جمله در حقوق معاهدات، حقوق مسئولیت بین المللی، ضمانت اجراها و مخاصمات مسلحانه، رفتار یا اقدام متقابل تحت شرایطی پذیرفته شده است. اما در نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی، این اصل بر مبنای کاهش تعرفه ها و اتخاذ سازوکار مناسبی برای

15. Principle of Sovereign Equality

16. "The Organization and its Members, in pursuit of the Purposes stated in Article 1, shall act in accordance with the following Principles: 1. The Organization is based on the principle of the sovereign equality of all its Members..."

17. "...At meetings of the Ministerial Conference and the General Council, each Member of the WTO shall have one vote..."

۱۸. ضیائی بیگدلی، همان، ۲۰.

محدود کردن سوءاستفاده‌ها است که به نظر می‌رسد نباید آن را مطابق با مفهوم اصل اقدام متقابل^{۱۹} در حقوق بین‌الملل دانست اما اساس آن مبتنی بر تجویز اتخاذ شیوه‌هایی به منظور مقابله با تخطی رخ داده، بر اساس اصل رفتار متقابل حقوق بین‌الملل استوار است مثل رفتار متقابل در گت و سازوکار حل و فصل اختلاف‌های سازمان.

۳-۱. اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها

از منظر تجاری و اقتصادی و مبتنی بر این اصل، کشورها در انتخاب نظام و ساختار اقتصادی و تجاری خود آزاد بوده، نمی‌توان آنان را اجبار به انتخاب نوع خاصی از نظام اقتصادی نمود. علاوه بر آن، وفق بند ۷ از ماده ۲ منشور ملل متحد^{۲۰} در مورد عدم مداخله در امور داخلی کشورها، تنظیم فعالیت‌های تجاری فرامرزی برای کشورها منطقاً و اساساً باید با محدودیت مواجه باشد.^{۲۱} دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه^{۲۲} اصل را چنین طرح نموده است:

«...این اصل، کلیه دولت‌ها یا گروه‌هایی از دولت‌ها را از مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی یا خارجی سایر دول منع می‌کند. به همین ترتیب، مداخله‌ای ممنوع است که مرتبط با یکی از موضوع‌هایی باشد که هر دولت طبق اصل حاکمیت دولت، مجاز به تصمیم‌گیری آزادانه در آن رابطه است. یکی از این موضوع‌ها، انتخاب نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تعیین سیاست خارجی است. مداخله زمانی نادرست است که از روش‌های زورمندانه در رابطه با چنین انتخاب‌هایی که باید آزاد باشند، استفاده شود. عنصر زور که مداخله منع‌شده را تعریف می‌کند و در حقیقت اساس آن را شکل می‌دهد، شامل مداخله مستقیم نظامی و مداخله غیرمستقیم با حمایت جهت براندازی یا فعالیت‌های تروریستی مسلحانه در داخل کشورهای دیگر است...».

وفق این تعریف، فشار اقتصادی اساساً مداخله محسوب نمی‌شود و مداخله در مفهوم معمول آن، نیازمند وجود عنصر فیزیکی است. البته این اصل در برابر شروط مدنظر بانک جهانی برای اعطای اعتبار (وام) مورد استناد قرار گرفته است و نمی‌توان شروطی مثل اصلاحات ساختاری را به منظور دریافت وام، مداخله در امور داخلی دانست مگر اینکه اساساً اصل تعیین سرنوشت را زیر سؤال ببرد.^{۲۳} این مورد را

19. Countermeasure.

20. "...Nothing contained in the present Charter shall authorize the United Nations to intervene in matters, which are essentially within the domestic jurisdiction of any state or shall require the Members to submit such matters to settlement under the present Charter; but this principle shall not prejudice the application of enforcement measures under Chapter VII..."

۲۱. ضیائی بیگدلی، همان، ۴۰۷.

22. *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States of America)*, Merits, Judgment, ICJ Reports 1986, p. 14, para. 205.

۲۳. هردگن، همان، ۱۵۱.

می‌توان در فرآیند الحاق دولت‌ها به سازمان تجارت جهانی نیز مشاهده کرد؛ در واقع آنچه در این فرآیند واقع می‌شود، نه تحمیل شرایط و قوانین خاص به دولت‌های خواهان عضویت، بلکه اقدام‌هایی برای تضمین پایداری دولت‌ها به تعهدات آتی هستند. همچنین در مورد کشورهای عضو نیز وفق فرآیندهای موجود در سازمان مثل حل و فصل اختلاف، اساساً اجبار دولت‌های عضو برای ایفای تعهدات از پیش پذیرفته‌شده از سوی آن دولت است و نمی‌توان آن را مداخله در امور داخلی آن مملکت قلمداد کرد.

۱-۴. اصل رعایت قواعد بنیادین حقوق بشر

با وجود برخی انتقادات به سازمان در مورد عدم توجه کافی نسبت به عواقب سیاست‌ها بر شروط کار و حقوق بشر،^{۲۴} از منظر مبنایی، نظام جدید بین‌المللی با حقوق بشر مناسبات مشترکی دارد و عناصر حقوق بشر، تأثیری فراوان بر ساختار اقتصادی و اجتماعی دارند.^{۲۵} به هر روی در سال‌های اخیر، مباحثی چون حق برخورداری از غذای مناسب و حق بنیادی هر شخص به رهایی از گرسنگی (ماده ۲۶۱۱ میثاق سازمان ملل متحد در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)^{۲۶} در تجارت بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر آن در حقوق مالکیت فکری نیز حمایت از حقوق فکری مرتبط با مسائل دارویی و تولید محصولات دارویی ژنریک برای افراد نیازمند، برخورداری همگانی از حق بهره‌مندی از بالاترین سطح استاندارد قابل دستیابی سلامتی جسمی و روحی مبتنی بر بند ۱ ماده ۲۸۱۲ میثاق پیش‌گفته مورد توجه قرار گرفته است. در این مورد می‌توان تصمیم سازمان تجارت جهانی را برای کاهش شروط صدور مجوزهای اجباری برای حق ثبت اختراع در داروها و تولید محصولات دارویی ژنریک در مبارزه علیه بیماری‌های واگیردار در کشورهای در حال توسعه، در جهت پاسخ به نگرانی‌ها در مورد «حق بر سلامت» قلمداد کرد،^{۲۷} هرچند کشمکش‌های متعدد در مورد حقوق مالکیت فکری واکسن کووید-۱۹ در سازمان طی وقوع همه‌گیری کرونا، تردیدهایی

24. European Parliamentary Research Service, Jana Titievskaia. Lona Zamfir. "WTO rules: Compatibility with human and labour rights." p. 2. [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2021/689359/EPRS_BRI\(2021\)689359_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2021/689359/EPRS_BRI(2021)689359_EN.pdf).

۲۵. ضیائی بیگدلی، همان، ۴۰۹.

26. "1- The States Parties to the present Covenant recognize the right of everyone to an adequate standard of living for himself and his family, including adequate food, clothing and housing, and to the continuous improvement of living conditions. The States Parties will take appropriate steps to ensure the realization of this right, recognizing to this effect the essential importance of international co-operation based on free consent. 2- The States Parties to the present Covenant, recognizing the fundamental right of everyone to be free from hunger, shall take, individually and through international co-operation..."

27. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights 1966 (adopted 16 December 1966, entered into force 3 January 1976) https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?chapter=4&mtmsg_no=IV-3&src=TREATY.

28. "...The States Parties to the present Covenant recognize the right of everyone to the enjoyment of the highest attainable standard of physical and mental health..."

۲۹. هردگن، همان، ۱۴۲.

را نسبت به این قبیل تصمیم‌های سازمان وارد می‌کند.

به هر روی، یکی از تفاوت‌های اساسی میان تجارت و حقوق بشر، نگاه به مفهوم توسعه در این دو نهاد نظری است؛ امری که در سازمان تجارت جهانی و بالاخص معاهده تأسیس آن نیز مصداق دارد. در واقع سازمان تجارت جهانی، تولید مؤثر و آزادی تجاری را عنصر کلیدی رشد اقتصادی می‌داند و رشد اقتصادی، بخش حیاتی و اساسی مفهوم توسعه مطرح می‌شود. به عبارت دیگر، گستره تأثیر حقوق بشر و به تبع آن، قواعد حقوق کار، تا جایی است که به تجارت آسیب نزنند. به هر حال، منتقدین اعتقاد دارند تأثیر تجارت در کشورهای در حال توسعه به اندازه‌ای است که نمی‌توان آن را منفک از سایر اهداف توسعه‌ای در یک کشور دانست و اتفاقاً سیاست‌های تجاری گسترده‌تر که اهمیت و نقش حقوق بشر و حقوق کار را به رسمیت بشناسند، کشورها را در فرآیند رسیدن به اهداف توسعه پایدار مدنظر سازمان ملل متحد^{۳۰} یاری می‌کند.^{۳۱} به هر روی، باید در نظر داشت که اساساً طبیعت آزاد سازمان تجارت جهانی باعث می‌شود که تعارض‌های اساسی میان این دو مفهوم به وجود نیاید؛ بالاخص که کشورها عملاً محدود به اصول سازمان هستند و نمی‌توانند تدابیری فراتر از آن اصول اتخاذ کنند. نکته قابل توجه این است که اساساً تا به حال، نهاد حل و فصل اختلاف سازمان به دعوایی که تعارض مابین قواعد سازمان و حقوق بشر را پوشش بدهد، رسیدگی نکرده است.^{۳۲}

۵-۱. اصول رفتار ملت‌های کامله‌الوداد و رفتار ملی

حذف رفتارهای تبعیض‌آمیز، یکی از ارزش‌های اصلی نظام تجاری چندجانبه سازمان تجارت جهانی است^{۳۳} و اصل رفتار ملت‌های کامله‌الوداد^{۳۴} که یکی از دو جنبه اساسی این ارزش در کنار رفتار ملی^{۳۵} است، از اساسی‌ترین اصول حاکم بر موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی است که در ماده ۳۶^{۳۶} موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت،^{۳۷} ماده ۳۸^{۳۸} موافقت‌نامه عمومی راجع به تجارت خدمات^{۳۹} و

30. United Nations Sustainable Development Goals (SDGs).

31. European Parliamentary Research Service, "WTO rules: Compatibility with human and labour rights", 2.

32. Ibid., 3.

33. Mitsuo Matsushita, et al., *The World Trade Organization: Law, Practice, and Policy* (New York: Oxford University Press, 2015), 155.

34. Most-Favored Nation Clause (MFN)

35. National treatment

36. "...any advantage, favour, privilege or immunity granted by any contracting party to any product originating in or destined for any other country shall be accorded immediately and unconditionally to the like product originating in or destined for the territories of all other contracting parties..."

37. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

38. "...With respect to any measure covered by this Agreement, each Member shall accord immediately and unconditionally to services and service suppliers of any other Member treatment no less favourable than that it accords to like services and service suppliers of any other country..."

39. The General Agreement on Trade in Services (GATS)

ماده ۴۰۴ موافقتنامه ترپس صراحتاً طرح شده است. وفق این اصل، اگر عضوی امتیازها و شروط خاصی را برای کالاها یا خدمات عضو دیگری برقرار کند، این شروط به صورت خودبه خود برای سایر اعضا نیز اجرایی می شود. اصول رفتار ملت های کامله الوداد و رفتار ملی، دو پایه اساسی گت و سایر موافقتنامه های سازمان و همچنین معاهدات جدید سرمایه گذاری به شمار می روند.^{۴۱} در حقوق بین الملل نیز مباحث مربوط به این اصل، مسبوق به سابقه است و حتی در پرونده مربوط به ملی شدن صنعت نفت ایران در دیوان بین المللی دادگستری به سال ۱۹۵۲^{۴۲} مورد اشاره قرار گرفت. علاوه بر آن باید در نظر داشت که در بستر رفتار کامله الوداد است که کشورهای در حال مذاکره برای دریافت امتیازهای تجاری، آرامش خاطر بیشتری خواهند داشت، چرا که علم به امتیازهای اعطاشده به سایر دولت ها، اساساً مذاکره را تسهیل می کند.^{۴۳}

کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۸ سعی کرد به مسئله قلمرو این اصل رسیدگی کند و طرح مواد راجع به شرط ملت های کامله الوداد^{۴۴} را مطرح نمود. وفق مواد ۹ و ۱۰ این طرح، اعمال شرط، منوط است به قلمرو و زمینه آن؛ به نحوی که با رعایت «قاعده از همان نوع»،^{۴۵} امتیازها و شروطی قابلیت مطالبه دارند که در حیطه موضوعی شرط ملت های کامله الوداد قرار گیرند.^{۴۶} علاوه بر آن استفاده از امتیازهای قید ملت های کامله الوداد تا زمانی است که معاهده امتیازدهنده اساساً پابرجا باشد. این مسئله در رأی دیوان بین المللی دادگستری در سال ۱۹۵۲ در دعوی مربوط به حقوق اتباع امریکایی در مراکش بیان شده است.^{۴۸}

همان گونه که گفته شد، اصل رفتار ملی یکی از دو ستون مهم اصل عدم تبعیض در حقوق

40. "...With regard to the protection of intellectual property, any advantage, favour, privilege or immunity granted by a Member to the nationals of any other country shall be accorded immediately and unconditionally to the nationals of all other Members..."

۴۱. ضیائی بیگدلی، همان، ۴۰۸.

42. "...The United Kingdom also put forward, in a quite different form, an argument concerning the most-favoured-nation clause. If Denmark, it is argued, can bring before the Court questions as to the application of her 1934 Treaty with Iran, and if the United Kingdom cannot bring before the Court questions as to the application of the same Treaty to the benefit of which she is entitled under the most-favoured-nation clause..."

۴۳. سیدقاسم زمانی و مهریار راشدی، «ماهیت و قلمرو تعهد رفتار دولت کامله الوداد در چارچوب موافقتنامه عمومی تجارت خدمات»، مجله حقوقی بین المللی، ۳۲، ۵۳ (۱۳۹۵): ۳۸.

44. Draft Articles on most-favoured-nation clauses

45. "...The beneficiary State acquires rights under paragraph 1 in respect of persons or things in a determined relationship with it only if they: (a) belong to the same category of persons or things as those in a determined relationship with a third State which benefit from the treatment extended to them by the granting State and (b) have the same relationship with the beneficiary State as the persons and things referred to in subparagraph (a) have with that third State..."

46. Ejusdem Generis Rule

۴۷. هردگن، همان، ۱۳۳-۱۳۲.

۴۸. محمد رضا ضیائی بیگدلی، حقوق معاهدات بین المللی (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹)، ۱۳۸.

بین‌الملل و حقوق سازمان تجارت جهانی است (مواد ۴۹۳ گت، ۵۰۱۷ گنز و ۵۱۳ تریپس). همچنین رفتار ملی به‌عنوان تعهد معاهده‌ای می‌تواند موجبات رفع موانع غیرتعرفه‌ای را هم فراهم کند.^{۵۲} البته باید در نظر داشت که علی‌رغم عدم تصریح در ماده ۳ گت، رفتار ملی هم شامل تبعیض واقعی^{۵۳} می‌شود و هم تبعیض عملی^{۵۴} را دربرمی‌گیرد. در واقع بر این اساس، هم اقدامات تبعیض‌آمیز ذیل منطوق صریح قوانین و مقررات داخلی کشور را باید تحت حاکمیت این اصل دانست و هم از سوی دیگر می‌توان مفهوم قانون را که عملاً باعث بروز تبعیض شود، ذیل مفهوم این اصل تعریف کرد.^{۵۵}

۱-۶. اصل رعایت قواعد محیط‌زیستی و توسعه پایدار

مباحث مربوط به تجارت آزاد و محیط‌زیست، یکی از مسائلی است که پیشینه آن به قبل از تأسیس سازمان تجارت جهانی و حاکمیت گت برمی‌گردد. در ۱۹۷۲ که مسائل محیط‌زیستی آرام آرام مورد توجه قرار می‌گرفت، کشورهای عضو، تصمیم به ایجاد کارگروه «اقدامات محیط‌زیستی و تجارت بین‌الملل»^{۵۶} گرفته و اولین جلسه آن بیست سال بعد در ۱۹۹۲ تشکیل شد.^{۵۷} اساساً حقوق بین‌الملل اقتصادی به‌طور فزاینده‌ای در مقابل نگرانی‌های محیط‌زیستی از خود واکنش نشان داده است و در نتیجه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، ارتباط تنگاتنگی با حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق سرمایه‌گذاری دارد.^{۵۸} می‌توان از نتایج این ارتباط به ورود اهداف توسعه پایدار به سیاست‌گذاری اقتصادی کشورها اشاره داشت.^{۵۹}

49. "...The contracting parties recognize that internal taxes and other internal charges, and laws, regulations and requirements affecting the internal sale, offering for sale, purchase, transportation, distribution or use of products, and internal quantitative regulations requiring the mixture, processing or use of products in specified amounts or proportions, should not be applied to imported or domestic products so as to afford protection to domestic production..."

50. "1. In the sectors inscribed in its Schedule, and subject to any conditions and qualifications set out therein, each Member shall accord to services and service suppliers of any other Member, in respect of all measures affecting the supply of services, treatment no less favourable than that it accords to its own like services and service suppliers..."

51. "1. Each Member shall accord to the nationals of other Members treatment no less favourable than that it accords to its own nationals with regard to the protection of intellectual property..."

۵۲. هردگن، همان، ۱۳۳.

53. *de jure*

54. *de facto*

۵۵. حجت‌خدایی‌فام و علیرضا آرشیور، «تبیین و تفسیر رفتار ملی گات در پرتو رویه رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت».

مجله حقوقی بین‌المللی ۳۶، ۶۱ (۱۳۹۸): ۳۶۳.

56. Environmental Measures & International Trade (EMIT)

57. Gentile, Dominic A. "International Trade and the Environment: What is the Role of the WTO?," *Fordham Environmental Law Review* 195 (2009): 198.

۵۸. ضیائی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، ۴۲۴-۴۲۵.

۵۹. هردگن، همان، ۲۳۷.

علاوه بر موارد پیش گفته، اساساً در مقدمه معاهده مؤسس سازمان، استفاده بهینه از منابع جهانی مطابق با اهداف توسعه پایدار، به عنوان یکی از اهداف سازمان ذکر شده، همین بند^{۶۰} مورد استناد نهاد حل و فصل اختلاف در مناقشه‌هایی است که در آن تلاش می‌شود مابین تجارت آزاد و حفاظت محیط زیست توازن برقرار شود.^{۶۱} به هر حال باید این مسئله را نیز در نظر داشت که حقوق سازمان تجارت جهانی، اصولاً بر آزادسازی تجارت متمرکز بوده، اقدام‌های محدودکننده تجاری را مورد مذاقه قرار می‌دهد و با توجه به این امر، اجازه‌هایی نیز برای حفاظت از محیط زیست در بندهای (ب) و (ج) ماده ۲۰ گت^{۶۲} مطرح شده است.^{۶۳} بند (ب) ناظر به محدودیت‌های واردات و سایر موانع تجاری برای کالاهایی است که ممکن است برای حیات انسانی، حیوانی یا گیاهی خطرناک باشند. اما بند (ج) اقدام‌های مربوط به حفاظت از منابع طبیعی تجدیدناپذیر را پوشش می‌دهد.

۷-۱. اصل حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های بین‌المللی

منشور ملل متحد در مواد ۱، ۶۴، ۵۲ و ۶۳ به این اصل اشاره نموده و علاوه بر آن «اعلامیه مربوط به اصول حقوق بین‌الملل در زمینه روابط دوستانه و همکاری میان کشورها»^{۶۴} مصوب ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ مجمع عمومی سازمان ملل نیز بر اقدام مسالمت‌آمیز تأکید کرده است. همچنین لازم است به اعلامیه مانیل ۱۹۸۲ نیز در این مورد اشاره کرد.^{۶۵} سایر سازمان‌های بین‌المللی نیز به تبع اصول کلی حقوقی بین‌المللی، حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها را به نحوی از انحا در سازمان‌بندی یا مقررات خود گنجانده‌اند. برخی سازمان‌ها طرق غیرحقوقی یا سیاسی را برای این امر انتخاب کرده‌اند که سازمان

60. "...while allowing for the optimal use of the world's resources in accordance with the objective of sustainable development...".

۶۱. همان، ۲۴۱.

62. "... (b) necessary to protect human, animal or plant life or health; ... (g) relating to the conservation of exhaustible natural resources if such measures are made effective in conjunction with restrictions on domestic production or consumption...".

۶۳. همان، ۲۳۸.

64. "...The Purposes of the United Nations are: To maintain international peace and security, and to that end: to take effective collective measures for the prevention and removal of threats to the peace, and for the suppression of acts of aggression or other breaches of the peace, and to bring about by peaceful means, and in conformity with the principles of justice and international law...".

65. "...All Members shall settle their international disputes by peaceful means in such a manner that international peace and security, and justice, are not endangered...".

66. "1- The parties to any dispute, the continuance of which is likely to endanger the maintenance of international peace and security, shall, first of all, seek a solution by negotiation, enquiry, mediation, conciliation, arbitration, judicial settlement, resort to regional agencies or arrangements, or other peaceful means of their own choice...".

67. The Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in accordance with the Charter of the United Nations 1971.

68. Manila Declaration on the Peaceful Settlement of International Disputes (New York, 15 November 1982).

تجارت جهانی یکی از این سازمان‌هاست.^{۶۹} همچنین باید در نظر داشت که در مورد اختلاف‌های اقتصادی، دولت‌ها غالباً شیوه‌های انعطاف‌پذیر حل اختلاف را نسبت به طرق قضایی و شبه‌قضایی ترجیح می‌دانند و می‌توان این مسئله را یکی از دلایل ایجاد سازوکار اختصاصی سازمان دانست. البته در مورد سازمان تجارت جهانی، درجه بسیار بالایی از «قضایی‌سازی» اختلاف‌ها ایجاد شده است ولی کماکان با وجود عناصر شبه‌قضایی و سازوکار نسبتاً پیچیده، می‌توان آن را در صحنه بین‌المللی کارآمد دانست؛^{۷۰} هرچند طی سالیان اخیر و بالاخص پس از جنگ تجاری چین و آمریکا، قدرت نهاد حل و فصل اختلاف به طرز چشمگیری کاهش یافته و حتی زمزمه جایگزینی آن با یک شیوه جدید حل و فصل اختلاف^{۷۱} به دلیل جلوگیری ایالات متحده از انتخاب اعضای رکن تجدیدنظر، شنیده می‌شود.^{۷۲}

۲. حقوق بین‌الملل و سازوکارهای حل اختلاف‌ها در سازمان تجارت جهانی

در دوران گذشته، «دیوانخانه بین‌المللی که دول را به اجرای عهدنامه‌ها و قرارنامه‌ها مجبور نماید وجود نداشت»^{۷۳} ولی در عصر جدید و با ایجاد سازمان‌های بین‌المللی، ممکن است اختلاف‌هایی میان بازیگران جامعه بین‌المللی روی دهد. همچنین عناصری در قواعد حقوق بین‌الملل در فرآیند ایجاد و در ضمانت اجرای قواعد دخیل هستند که عملاً بروز اختلاف در سطح بین‌المللی را محتمل می‌سازند^{۷۴} و سازمان تجارت جهانی نیز از این امر مستثنا نیست.

۲-۱. نظری به سازوکارهای حل و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی

موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۴۷ زیربنای اصلی ایجاد رکن حل و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی است. در واقع اساساً در گت یک روش منسجم حل دعاوی به صورت حقوقی وجود نداشت و علاوه بر آن وجود کنسانسوس^{۷۵} بین طرفین وفق ماده ۲۳ گت^{۷۶} ۱۹۴۷ شرایط

۶۹. ضیائی بیگدلی، همان، ۴۸۷-۴۹۳.

۷۰. هردگن، همان، ۲۸۹.

71. Multi-Party Interim Appeal Arbitration Arrangement (MPIA)

۷۲. کریستاف پلج، «چگونه اعضای سازمان تجارت جهانی می‌توانند موانع ایالات متحده را در نهاد حل و فصل اختلاف دور بزنند؟»، ترجمه: رهام دالائی، ۲۴ آوریل ۲۰۲۴. قابل دسترس در:

https://bigdeliacademy.com/1403/02/05/wto_roham-dalaiei/

۷۳. حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، حقوق بین‌الملل (به اهتمام محمد گلبن)، (تهران: نشر دیدار، ۱۳۸۵)، ۱۷۲.

74. Joost Pauwelyn, *Conflict of Norms in Public International Law: How WTO Law Relates to other Rules of International Law* (New York: Cambridge University Press, 2003), 12.

75. Consensus

76. "...2.If no satisfactory adjustment is effected between the contracting parties concerned within a reasonable time, or if the difficulty is of the type described in paragraph 1 (c) of this Article, the matter may be referred to the CONTRACTING PARTIES. The CONTRACTING PARTIES shall promptly investigate any matter...".

برای حل اختلاف را دشوار کرده بود.^{۷۷} مواردی از این دست باعث شدند که در دور اروگوئه «تفاهم‌نامه» راجع به قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلاف‌ها^{۷۸} مبتنی بر مواد ۲۲^{۷۹} و ۲۳ (شکایت درباره از بین رفتن یا لطمه به منافع) و با قصد قانون‌محور شدن فرآیند حل اختلاف^{۸۰} مورد توافق طرفین قرار گرفته، تبدیل به یکی از موافقت‌نامه‌های اساسی سازمان تجارت جهانی شود. به هر حال، با وجود نص گاه مبهم، عضو ناقض حقوق، صریحاً ملزم به پایبندی به تعهدات و توقف عمل متخلفانه است. منطبق بر بند ۷ از ماده ۳،^{۸۱} هدف اولیه همانا توقف عملیات متخلفانه است.

تفاوت‌های اساسی مابین گت ۱۹۴۷ و موافقت‌نامه مذکور در نحوه رسیدگی، توسعه موارد اجباری حل اختلاف‌های حقوقی و امکان برقراری سیاست‌های تلافی‌جویانه است.^{۸۲} در واقع موافقت‌نامه یک ساختار اصلی برای حل و فصل اختلاف مشتمل بر مشورت و مشاوره، رسیدگی و تجدیدنظر با در نظر گرفتن منافع احتمالی طرفین ثالث ایجاد کرد.^{۸۳} یک تفاوت دیگر، توسعه گستره قانونی^{۸۴} سازمان است. این امر منتج به یک نظام تجاری چندجانبه قانون‌محور شد و اساساً سازمان از فرآیندهای دیپلماتیک اولیه فراتر رفت و یک اقدام ساختاری برای حل اختلاف ایجاد شد؛ اقدامی که نه صرفاً دیپلماتیک است و نه صرفاً شیوه حقوقی^{۸۵} و یک ساختار شبه قضایی^{۸۶} به وجود آمد. سازوکار حل اختلاف، نقشی اساسی در فرآیند امنیت و قابل پیش‌بینی بودن نظام تجاری چندجانبه بین‌المللی ایفا می‌کند و اساساً رسیدگی این نهاد برای ایجاد موازنه منطقی میان حقوق و تعهدات اعضا (وفق بند ۳ از ماده ۳ تفاهم‌نامه حل و فصل اختلاف)^{۸۷} ضروری است.^{۸۸}

77. Mervyn Martin, *WTO Dispute Settlement Understanding and Development* (Boston: Martinus Nijhoff Publishers, 2013), 95-96.

78. Understanding on Rules & Procedures Governing the Settlement of Disputes.

79. "1. Compensation and the suspension of concessions or other obligations are temporary measures available in the event that the recommendations and rulings are not implemented within a reasonable period of time..."

80. Ibid. 97.

81. "... In the absence of a mutually agreed solution, the first objective of the dispute settlement mechanism is usually to secure the withdrawal of the measures concerned if these are found to be inconsistent with the provisions of any of the covered agreements..."

۸۲. عبدالحسین شیروی، *حقوق تجارت بین‌الملل* (تهران: سمت، ۱۴۰۰)، ۱۱۱-۱۱۰.

83. Martin. *WTO Dispute Settlement Understanding and Development*, 99.

84. Legality

85. Alberto do Amaral Júnior, Luciana Maria de Oliveira Sá Pires, Cristiane Lucena Carneiro, *The WTO Dispute Settlement Mechanism: A Developing Country Perspective* (Switzerland: Springer, 2019), 7 (vii)

۸۶. هردگن، همان، ۴۷۵.

87. "...3. The prompt settlement of situations in which a member considers that any benefits accruing to it directly or indirectly under the covered agreements are being impaired by measures taken by another Member is essential to the effective functioning of the WTO and the maintenance of a proper balance between the rights and obligations of Members..."

88. Ibid, paragraph 4.

همان گونه که گفته شد، امروزه نهاد حل اختلاف^{۸۹} که زیر نظر شورای وزیران عمل می‌کند، مرجع حل اختلاف‌ها در سازمان بوده و بر اختلاف‌های ناشی از معاهدات و تفاهم‌نامه‌های سازمان حاکم است. هیئت‌های رسیدگی و رکن تجدیدنظر^{۹۰} در بطن این نهاد قرار گرفته‌اند و گزارش‌های این دو، نقشی اساسی در درک و توسعه حقوق تجارت جهانی ایفا می‌نمایند. این گزارش‌ها بر اساس اجماع معکوس^{۹۱} به تصویب می‌رسند و اگر موضوعی به اتفاق آرا رد نشود و همه اعضا ابراز مخالفت نکنند، تصویب شده لحاظ خواهد شد؛^{۹۲} اساساً این مسئله برای رفع ایراد موجود در گت ۱۹۴۷ (نیاز به کنسensus برای تصویب) وارد مقررات سازمان تجارت جهانی و فرآیند حل اختلاف سازمان شد. فرآیند بدین نحو است که سازمان تلاش می‌کند علاوه بر استفاده از یک شیوه دو درجه‌ای (با توجه به ماده ۱۶ تفاهم‌نامه)، ابتدا مسئله را به صورت مسالمت‌آمیز از طریق مذاکرات فی‌مابین رفع نماید ولی از سوی دیگر وفق مواد ۹۳ و ۲۲ موافقت‌نامه، به طرف خسارت‌دیده این اجازه را می‌دهد که برخی تعهدات خود را معلق کند.^{۹۴}

رکن تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی در گستره نظام حل اختلاف‌های بین‌المللی، موردی خاص و قابل توجه است. رکن تجدیدنظر سازمان از ۷ قاضی تشکیل شده است که از سوی نهاد حل اختلاف، به مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند و یک دوره دیگر نیز قابل تمدید است. اعضای رکن تجدیدنظر نباید با دولت‌های عضو، رابطه استخدامی، کاری، مشاوره‌ای و ... داشته باشند و باید استقلال و بی‌طرفی خود را حفظ کرده، اصول محرمانگی را رعایت نمایند. رکن دائمی تجدیدنظر، اختلاف‌ها را از منظر حکمی و حقوقی بررسی می‌کند و پس از تصویب نهاد حل و فصل اختلاف، نتیجه برای طرفین الزام‌آور است اما لزوماً در دعاوی بعدی حاکم نخواهد بود.^{۹۵} در واقع الزام‌آور بودن آرای نهاد حل اختلاف، یکی از مشخصه‌های بارز حقوق سازمان تجارت جهانی در مقایسه با سایر سازمان‌های بین‌المللی است؛ بالاخص که اجرای آرای الزام‌آور سازمان‌های سیاسی یا قضایی، همیشه پاشنه آشیل نظم حقوقی بین‌المللی بوده است.^{۹۶} در واقع نهاد حل و فصل اختلاف‌های سازمان تجارت جهانی به

89. Dispute Settlement Body (DSB)

90. Appellate Body

91. Negative Consensus

۹۲. ضیائی بیگدلی، همان، ۴۱۵.

93. "...The last resort which this Understanding provides to the Member invoking the dispute settlement procedures is the possibility of suspending the application of concessions or other obligations under the covered agreements on a discriminatory basis vis-à-vis the other Member, subject to authorization by the DSB of such measures..."

94. Amaral Júnior, *The WTO Dispute Settlement Mechanism: A Developing Country Perspective*, 4.

95. Ibid. 5-6.

96. Giorgio Sacerdoti, "The nature of WTO arbitrations on retaliation" in *of the Law, Economics and Politics of Retaliation in WTO Dispute Settlement Edited by Chad P. Bown & Joost Pauwelyn* (New York: Cambridge University Press, 2010) at 23.

مثابه رکن دیپلماتیک هم عمل می‌کند و با مشارکت کلیه اعضا راجع به اختلافات و راهکارهای احتمالی به بحث و مذاکره می‌پردازد و در نهایت با اتخاذ تصمیم، رأی نهایی در اختیار تمام اعضا قرار می‌گیرد. در واقع این جنبه در مقایسه با سایر دیوان‌های بین‌المللی، قابل توجه است.^{۹۷}

۲-۲. تأثیر حقوق بین‌الملل بر سازوکارهای حل اختلاف‌ها در سازمان تجارت جهانی

طبیعی است که بنا به تاریخ تأسیس سازمان و همچنین فرآیند تطور حقوق و روابط بین‌الملل طی قرن گذشته، عناصر متعددی بر حقوق سازمان تجارت جهانی تأثیر گذاشته باشند. در واقع اساساً در بسیاری از تصمیم‌های نهاد حل اختلاف و همچنین برخی مقررات آن، مثل ماده ۳ موافقت‌نامه،^{۹۸} اصول و قواعد عام حقوق بین‌الملل ذکر شده است؛ بالاخص که وفق نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد،^{۹۹} برای در نظر گرفتن اصول و قواعد عمومی حقوق بین‌الملل، لازم است قانون خاص مستقیماً در تضاد با آن بوده و بدو برای تقدم بر قانون عام حقوق بین‌الملل ایجاد شده باشد. به نظر می‌رسد چنین تفسیری در مورد قوانین خاص سازمان تجارت جهانی مصداق نداشته و در قضایای WT/DS54/R^{۱۰۰} و WT/DS2/10/Add.7 در رویه حل و فصل اختلاف سازمان تأیید شده باشد.^{۱۰۱} بالاخص در قضیه دوم که رکن تجدیدنظر به صراحت اعلام کرد «موافقت‌نامه‌های سازمان نباید جدای از حقوق بین‌الملل دانسته شوند».

الف. تأثیر برخی اصول و قواعد قابل اعمال حقوق بین‌الملل

اساساً حقوق بین‌الملل بر مبنای قواعد متعددی در حال تنظیم روابط جهانی است و برخی از این قواعد (مطروح در حقوق معاهدات، حقوق مسئولیت‌ها و ...) در ساختار حقوق سازمان تجارت جهانی نیز تأثیرگذار هستند؛ بالاخص در جریان دعاوی رسیدگی شده در نهاد حل اختلاف، مورد اشاره قرار گرفته‌اند و به عبارت دیگر، از عناصر قابل توجه رویه حل اختلاف سازمان هستند:

(۱) اصل وفای به عهد یا احترام به عهد شاید یکی از قواعد مبنایی و جاری حقوق بین‌الملل در حقوق سازمان تجارت جهانی باشد و اساساً برخی حتی سازمان تجارت جهانی را یک قرارداد

۹۷. سیدقاسم زمانی و محسن قاسمی، «تبیین نقش نهاد حل اختلاف سازمان تجارت جهانی در توسعه حقوق بین‌الملل»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۲، ۲ (۱۴۰۱): ۱۹۳.

98. "...The Members recognize that it serves to preserve the rights and obligations of Members under the covered agreements and to clarify the existing provisions of those agreements in accordance with customary rules of interpretation of public international law..."

99. International Law Commission

100. Indonesia - Certain Measures Affecting the Automobile Industry

101. Rajesh Babu. "Understanding the Role of International Law in WTO Law." Indian Yearbook of International Law and Policy (2009): at 293.

اجتماعی بین‌المللی در مورد تجارت^{۱۰۲} می‌دانند.^{۱۰۳} این اصل که در ماده ۲ منشور ملل متحد و همچنین مواد ۲۶ و ۲۷ عهدنامه وین در مورد حقوق معاهدات^{۱۰۴} ذکر شده، در چارچوب موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی مثل بند ۴ از ماده ۱۰۵۱۶ موافقت‌نامه مؤسس و بند ۱۲ ماده ۱۰۶۳۴ گت یا در قضایایی مثل WT/DS402/7^{۱۰۷} و WT/DS321/16^{۱۰۸} مطرح شده است.

۲) حسن‌نیت^{۱۰۹}

یکی از قواعد مهمی است که اساساً بر کلیه زمینه‌های روابط بین‌الملل حاکم است و اعتبار حقوقی آن مورد تأیید جامعه بین‌المللی است.^{۱۱۰} این اصل، طبعاً بر ساختار سازمان تجارت جهانی نیز حاکم است و حتی در قضایای متعددی در هیئت‌های رسیدگی و رکن تجدیدنظر نهاد حل اختلاف مثل WT/DS58/AB/R^{۱۱۱}، WT/DS108/AB/R^{۱۱۲}، WT/DS122/AB/R^{۱۱۳}، WT/DS178/AB/R^{۱۱۴}، WT/DS184/AB/R^{۱۱۵}، WT/DS192/AB/R^{۱۱۶}، WT/DS132/AB/RW^{۱۱۷} و WT/DS231/AB/R^{۱۱۸} ... مورد استناد و توجه قرار گرفته است. حسن‌نیت در واقع یکی از اصول و قواعد کلی و اساسی حقوق بین‌الملل است و تعهد حمایت و پایبندی به آن، به‌صورت ضمنی یا صراحتاً

102. International Social Contract on Trade

103. Guan. *WTO Jurisprudence: Governments, Private Rights and International Trade*, 17.

104. Vienna Convention on the Law of Treaties 1969 (Adopted 23 May 1969, Entered into force 27 January 1980).

105. "...Each Member shall ensure the conformity of its laws, regulations and administrative procedures with its obligations as provided in the annexed Agreements..."

106. "... Each contracting party shall take such reasonable measures as may be available to it to ensure observance of the provisions of this Agreement by the regional and local governments and authorities within its territories..."

107. US — Zeroing (Korea)

108. Canada — Continued Suspension

109. Good faith

۱۱۰. ضیائی بیگدلی، حقوق معاهدات بین‌المللی، ۱۶۴.

111. WTO, *United States – Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products*, WT/DS58/AB/R

112. WTO, *United States – Tax Treatment for "Foreign Sales Corporations"*, WT/DS108/AB/R

113. WTO, *Thailand - Anti-Dumping Duties on - Angles, Shapes and Sections of Iron or Non-Alloy Steel and H-Beams from Poland*, WT/DS122/AB/R

114. WTO, *United States - Safeguard Measures on Imports of Fresh, Chilled or Frozen Lamb Meat from New Zealand and Australia*, WT/DS178/AB/R

115. WTO, *United States - Anti-Dumping Measures on Certain Hot-Rolled Steel Products from Japan*, WT/DS184/AB/R

116. WTO, *United States - Transitional Safeguard Measure on Combed Cotton Yarn from Pakistan*, WT/DS192/AB/R

117. WTO, *Mexico - Anti-Dumping Investigation of High Fructose Corn Syrup (HFCS) from the United States - Recourse to Article 21.5 of the DSU by the United States*, WT/DS132/AB/RW

118. WTO, *European Communities - Trade Description of Sardines*, WT/DS231/AB/R

در معاهدات از جمله موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی مثل بند ۱۰ ماده ۱۱۹۳ موافقت‌نامه حل اختلاف، وجود دارد. البته حسن نیت اساساً از قواعد آمره^{۱۲۰} نیست ولی یکی از اصول اساسی در نظام‌های حقوقی است^{۱۲۱} که دیوان بین‌المللی دادگستری به صراحت در برخی آرای خود به این امر اشاره کرده است.^{۱۲۲} دکتین سوءاستفاده از حق^{۱۲۳} اساساً منبعث از اصل حسن نیت و اصل انصاف است و از انحراف قانون یا معاهدات از قصد اولیه و زیرسؤال رفتن انتظارات از آن بر اساس اقدام‌های اشخاص که اتفاقاً خلاف آن قانون یا معاهده نیست، جلوگیری می‌نماید. اجرای این اصل در بستر تجاری به پیش از تأسیس سازمان و قضیه BISD II/188^{۱۲۴} در ۱۹۵۰ برمی‌گردد.^{۱۲۵} می‌توان اصل اثر مفید^{۱۲۶} در معاهدات را دارای رابطه‌ای همگن با اصل سوءاستفاده از حق دانست و اثر آن را در قضیه دید. وفق این اصل، مفسر باید چنین فرض کند که طرفین، معاهدات را به این منظور تنظیم کرده‌اند تا اجرایی شود. البته در قضیه مذکور می‌توان شمه‌ای از اصل رعایت موضوع و هدف معاهده را نیز مشاهده نمود.

(۳) اصل تناسب^{۱۲۷}

برآمده از اصل مسئولیت دولت‌ها بدین معناست که اقدام دولت‌های عضو در قبال نقض تعهدات عضو دیگر باید متناسب با تعهد نقض شده باشد.^{۱۲۸} علاوه بر قضیه WT/DS202/AB/R، این اصل در قضیه‌های WT/DS192/AB/R و WT/DS202/AB/R^{۱۲۹} نیز مطرح شده است. همچنین این امر در شق (الف) در بند ۳ از ماده ۳۰۲۲ موافقت‌نامه حل اختلاف نیز مورد اشاره قرار گرفته است. البته وفق مقررات سازمان اگر اقدام متناسب، ممکن یا حتی مؤثر نباشد، اقدام متقابل چه بسا به سایر بخش‌ها در

119. "...if a dispute arises, all Members will engage in these procedures in good faith in an effort to resolve the dispute. It is also understood that complaints and counter-complaints in regard to distinct matters should not be linked..."

120. *Ius cogens*

121. Marion Panizzon. *Good Faith in the Jurisprudence of the WTO: The Protection of Legitimate Expectations, Good Faith Interpretation and Fair Dispute Settlement* (Studies in International Trade and Investment Law). (Hart Publishing: 2009). at 11.

122. *Certain Norwegian Loans (Fr. v. Nor.)*, 1957 I.C.J. 9, 53 (July 6).

123. The abuse of rights (abus de droit) doctrine

124. The Australian Subsidy on Ammonium Sulphate

125. Cameron, James, and Kevin R. Gray. "Principles of international law in the WTO Dispute Settlement Body." *International & Comparative Law Quarterly* 50, 2 (2001): 294-2395.

126. *ut res magis valeat quam*

127. Proportionality

۱۲۸. مطرح شده در قضیه WT/DS202/AB/R

129. United States - Definitive Safeguard Measures on Imports of Circular Welded Carbon Quality Line Pipe from Korea

130. "...the general principle is that the complaining party should first seek to suspend concessions or other obligations with respect to the same sector(s) as that in which the panel or Appellate Body has found a violation or other nullification or impairment..."

موافقت‌نامه نقض شده تعمیم یابد. به‌طور مثال اگر نقض، بخش خودروسازی را تحت تأثیر قرار دهد، اقدام متقابل می‌تواند در زمینه‌ای مثل لوازم برقی مصرفی رخ دهد.^{۱۳۱} البته باید در نظر داشت که اساساً مفهوم اقدام متقابل از اصل تناسب مستقل بوده ولی در اعمال آن باید اصل تناسب رعایت شود.

(۴) اقدام متقابل^{۱۳۲}

با شرایطی مثل موقتی‌بودن، عدم خدشه به تعهدات ناشی از قواعد حقوق بین‌الملل عام و متناسب‌بودن، اساساً شامل هر گونه اقدامی است که کشور خسارت‌دیده می‌تواند علیه کشور یا سازمان بین‌المللی مسئول اعمال کند و هدف از آن، وادار کردن مسئول به جبران خسارت ناشی از تعهد نقض شده است.^{۱۳۳} حقوق سازمان تجارت جهانی نیز مستند به بند ۷ از ماده ۳ موافقت‌نامه حل اختلاف،^{۱۳۴} امکان اقدام متقابل به‌عنوان آخرین راه‌حل و با تأیید نهاد حل اختلاف را پذیرفته و موارد متعددی^{۱۳۵} در قضایای مختلف وجود دارد که نهاد این اجازه را صادر کرده است.

(۵) عطف به ماسبق‌نشدن (معاهدات)^{۱۳۶}

که در مواد ۱۳۷۴ و ۱۳۸۲۸ عهدنامه وین مطرح شده، اصلی است که در مورد کلیه اعمال حقوقی بین‌المللی قابل اجراست.^{۱۳۹} این اصل در رسیدگی‌های نهاد حل اختلاف سازمان (بالاخص ماده ۲۸ عهدنامه) مورد استناد قرار گرفته، بر چارچوب حقوقی سازمان حاکم است. در این مورد می‌توان به قضایای

۱۳۱. هر دگن، همان، ۴۷۹.

132. Countermeasure

۱۳۳. ضیائی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، ۴۸۳.

134. "...The last resort which this Understanding provides to the Member invoking the dispute settlement procedures is the possibility of suspending the application of concessions or other obligations under the covered agreements on a discriminatory basis vis-à-vis the other Member, subject to authorization by the DSB of such measures...".

135. EC-Bananas (US), EC-Hormones (US), EC-Hormones (Canada), EC-Bananas (Ecuador), Brazil-Aircraft, US-FSC, Canada-Aircraft II, US-1916 Act, US-Byrd Amendment, US-Gambling and US-Cotton Subsidies

136. No retroactive application of treaties

137. "...Without prejudice to the application of any rules set forth in the present Convention to which treaties would be subject under international law independently of the Convention, the Convention applies only to treaties which are concluded by States after the entry into force of the present Convention with regard to such States...".

138. "...Unless a different intention appears from the treaty or is otherwise established, its provisions do not bind a party in relation to any act or fact which took place or any situation which ceased to exist before the date of the entry into force of the treaty with respect to that party...".

۱۳۹. ضیائی بیگدلی، حقوق معاهدات بین‌المللی، ۱۱۸-۱۱۹.

WT/DS22/AB/R^{۱۴۰}، WT/DS27/AB/R^{۱۴۱}، WT/DS170/AB/R^{۱۴۲}، WT/DS231/AB/R^{۱۴۳} در زمینه‌های مختلف تجارت کالا یا حتی مالکیت فکری اشاره داشت.

۶) قاعده استاپل^{۱۴۴}

این قاعده که در اختلاف‌های بین‌المللی^{۱۴۵} و تجاری نیز پذیرفته شده،^{۱۴۶} یکی دیگر از قواعد مهم حقوق بین‌الملل است که در قضایایی همچون WT/DS265/AB/R^{۱۴۷} و WT/DS27/AB/RW2/ECU^{۱۴۸} مورد توجه نهاد حل اختلاف سازمان تجارت جهانی قرار گرفته است. البته این مسئله بیشتر ناشی از اختلاف‌های درون نهاد حل و فصل نسبت به اجرای این قاعده است؛^{۱۴۹} بالاخص که اساساً در قضیه E. C.-Sugar رکن تجدیدنظر به صراحت اعلام کرد «پرواضح است که قاعده استاپل در ساختار حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی جاری است». از سوی دیگر باید در نظر داشت که هیئت‌های رسیدگی‌کننده سازمان، گاه از به کارگیری اصولی اجتناب می‌کنند که می‌توانند و چه بسا باید از آن‌ها استفاده کنند؛ استاپل یکی از این موارد است و هیئت‌های رسیدگی تمایل به خودداری از اعمال اصل استاپل نشان داده‌اند، اصلی که باید به عنوان بخشی از صلاحیت ذاتی آن‌ها شناخته شود.^{۱۵۰}

۷) اصل لازم‌الاجرا بودن معاهده برای طرفین^{۱۵۱}

یکی از اصول مبنایی و ضروری در علم حقوق است^{۱۵۲} که در چارچوب حقوق سازمان تجارت جهانی نیز جاری است و کشورها نمی‌توانند کشورهای غیرعضو را به عنوان متعاقد قلمداد کرده و وفق

140. WTO, *Brazil - Measures Affecting Desiccated Coconut*, WT/DS22/AB/R

141. WTO, *Appellate Body - European Communities - Regime for the Importation, Sale and Distribution of Bananas*, WT/DS27/AB/R.

142. WTO, *Canada - Term of Patent Protection*, WT/DS170/AB/R

143. WTO, *European Communities - Trade Description of Sardines*, WT/DS231/AB/R

144. Estoppel

145. Andrew D. Mitchell & David Heaton, "The Inherent Jurisdiction of WTO Tribunals: The Select Application of Public International Law Required by the Judicial Function", *Michigan Journal of International Law* 31,559 (2010). 565.

146. Cameron. *Principles of international law in the WTO Dispute Settlement Body*, 293.

147. WTO, *European Communities - Export Subsidies on Sugar*, WT/DS265/AB/R

148. WTO, *European Communities - Regime for the Importation, Sale and Distribution of Bananas*, WT/DS27/AB/RW2/ECU

149. Mitchell, *The Inherent Jurisdiction of WTO Tribunals: The Select Application of Public International Law Required by the Judicial Function*, 609.

150. Andrew D. Mitchell, "The legal basis for using principles in WTO disputes." *Journal of International Economic Law* 10, 4 (2007): 835.

151. pacta tertiis nec nocent nec prosunt

152. Pauwelyn, *Conflict of Norms in Public International Law How WTO Law Relates to other Rules of International Law*. 125.

مقررات سازمان با آنان برخورد کنند مگر در شرایط خاص مثل مواردی که مقررات سازمان در معاهدات دوجانبه میان کشور عضو سازمان و کشور غیر عضو به‌عنوان قانون حاکم اعمال می‌شود.

۸) اصل امر مختومه یا قضاوت‌شده^{۱۵۳}

این اصل در قضایای مطروح در نهاد حل و فصل اختلاف سازمان، مورد تأیید و تأکید هیئت رسیدگی و رکن حل و فصل اختلاف مثل قضایای WT/DS58/AB/R و WT/DS8/17/Add.1 و WT/DS11/15/Add.1 WT/DS10/17/Add.1 قرار گرفته است.^{۱۵۴}

۹) اصل مسئولیت دولتها

بدین معناست که هیچ کشوری نمی‌تواند با توسل به ویژگی‌های حکومتی‌اش یا مشکلات ناشی از زیست سیاسی، خود را از قید مسئولیت بین‌المللی برهاند.^{۱۵۵} در حقوق سازمان تجارت جهانی نیز مباحث مربوط به این اصل به قضایای دوران حاکمیت گت ۱۹۴۷ و پیش از تأسیس سازمان برمی‌گردد. در قضیه Shrimp/Turtle به‌طور غیرمستقیم، این اصل مورد استناد قرار گرفت و دولت ایالات متحده آمریکا به خاطر اقدامات نهادهای تحت نظر خود مسئول شناخته شد. پرونده دیگری که به این مسئله پرداخت، قضیه 35S/163—L/6253^{۱۵۶} است. در این قضیه اقدام‌های غیرالزام‌آور و مشوقانه برای محدودیت تولید داخلی از سوی کشاورزان ژاپنی، به‌عنوان اقدامات حاکمیتی وفق ماده ۱۱ گت ۱۹۴۷^{۱۵۷} قلمداد شد.

۱۰) اصل انصاف^{۱۵۸}

این اصل در معاهداتی همچون معاهدات سازمان تجارت جهانی به کاهش نابرابری‌ها و تبعیض‌های ناروا کمک می‌کند؛^{۱۵۹} بالاخص که باید توجه شود در معاهدات سازمان، گاه تبعیض‌هایی روا و منصفانه به منظور اجرایی‌شدن اهداف سازمان برای برخی اعضا برقرار می‌شود. در این مورد می‌توان به ترجیحات

153. res judicat

154. WTO, Japan — Alcoholic Beverages II, WT/DS8/17/Add.1

۱۵۵. ضیائی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، ۴۶۲.

156. Japanese Agricultural Products case

157. "...(c) Import restrictions on any agricultural or fisheries product, imported in any form necessary to the enforcement of governmental measures which operate: (i) to restrict the quantities of the like domestic product permitted to be marketed or produced, or, if there is no substantial domestic production of the like product, of a domestic product for which the imported product can be directly substituted; or..."

158. *jus aequum*

۱۵۹. ضیائی بیگدلی، حقوق معاهدات بین‌المللی، ۱۶۴.

مصرح در چارچوب سازمان تجارت جهانی برای کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته اشاره داشت. این امر در بند ۱ ماده ۳۶ گت^{۱۶۰} تشریح شده و اساساً ارتقای استانداردهای زندگی و توسعه تدریجی اقتصاد طرف‌های متعاقد از اهداف اصلی موافقت‌نامه قلمداد شده است. همچنین می‌توان استثنائات عام مذکور در ماده ۲۰ گت را نیز به نحوی ناشی از اصل انصاف دانست و علاوه بر آن صراحتاً در ماده بر جلوگیری از تبعیض‌های خورانه یا غیر قابل توجیه^{۱۶۱} تأکید شده است. همچنین شرط معافیت مندرج در بند ۵ ماده ۲۵ گت،^{۱۶۲} بالاخص برای رفتار ترجیحی نسبت به کشورهای در حال توسعه در بند توانمندسازی،^{۱۶۳} از اهمیت کاربردی قابل توجهی در چارچوب حقوق سازمان تجارت جهانی برخوردار است.^{۱۶۴}

ب. تأثیر مفهوم اختلاف حقوقی

وفق ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، اختلاف ناشی از معاهدات، اختلاف ناشی از هر موضوعی از موضوعات حقوق بین‌الملل، اختلاف ناشی از واقعیت هر امری که در صورت اثبات، نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب می‌شود و اختلاف ناشی از نوع و میزان خسارت یا غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی پرداخت شود، مصادیقی از اختلاف‌های حقوقی هستند.^{۱۶۵}

البته همان گونه که ذکر شد، رسیدگی در سازمان بر پایه روش‌های غیرحقوقی و دیپلماتیک است اما این مسئله نافی «حقوقی» بودن بسیاری از اختلاف‌های درون سازمان تجارت جهانی نیست. به هر حال، گستره اعمال نفوذ نهاد حل اختلاف در ماده ۱۶۶^۱ موافقت‌نامه مطرح شده است. وفق این ماده، این موافقت‌نامه بر اختلاف‌های ناظر بر حقوق و تعهدات اعضای سازمان حاکم است. کلی بودن و اطلاق بند ۱ ماده ۱ تفاهم‌نامه باعث می‌شود تا تمامی موارد ذکر شده در ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دارای مصداق در سازمان تجارت جهانی دانسته شوند و اساساً اختلاف حقوقی منبع اصلی دعاوی در نهاد حل اختلاف قلمداد شود. به طور مثال، ممکن است در تفسیر معاهده،

160. "... (a) recalling that the basic objectives of this Agreement include the raising of standards of living and the progressive development of the economies of all contracting parties, and considering that the attainment of these objectives is particularly urgent for less-developed contracting parties; (b) considering that export earnings of the less-developed contracting parties can play a vital part in their economic development..."

161. "...Subject to the requirement that such measures are not applied in a manner which would constitute a means of arbitrary or unjustifiable discrimination between countries where the same conditions prevail, or a disguised restriction on international trade, nothing in this Agreement shall be construed to prevent the adoption or enforcement by any contracting party of measures..."

162. "...In exceptional circumstances not elsewhere provided for in this Agreement, the CONTRACTING PARTIES may waive an obligation imposed upon a contracting party by this Agreement..."

163. Enabling Clause

۱۶۴. هردگن، همان، ۳۹۰.

۱۶۵. ضیائی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، ۴۸۸.

166. "... The rules and procedures of this Understanding shall also apply to consultations and the settlement of disputes between Members concerning their rights and obligations..."

میان برخی اعضا اختلاف پیش آید (مثل قضایای WT/DS1 یا WT/DS50/AB/R)^{۱۶۷} یا اساساً یک طرف، نقض تعهد طرف دیگر را به نهاد ارجاع دهد (مثل پرونده WT/DS321/16)^{۱۶۸}؛ مواردی که اساساً غالب اختلاف‌های مطروح در این نهاد را شامل می‌شوند. به هر روی، این نکته نیز قابل توجه است که به نظر بر اساس ماده ۱۱ موافقت‌نامه حل اختلاف،^{۱۶۹} مسائل و اختلافات ناشی از موافقت‌نامه‌های سازمان،^{۱۷۰، ۱۷۱} قابلیت طرح در نهاد حل و فصل اختلاف را دارند و اساساً به نظر می‌رسد که نهاد باید بر اساس مقررات سازمان به اختلاف رخ داده، چه حقوقی و چه غیرحقوقی، رسیدگی کند.^{۱۷۲} علاوه بر مقررات سازمان، رویه قضایی ایجادشده در سازمان مبتنی بر قضایای پیشین نیز یکی دیگر از منابع حقوقی نهاد حل و فصل اختلاف سازمان است.^{۱۷۳}

ج. تأثیر قواعد موجد صلاحیت و آیین دادرسی

رسیدگی در نهاد حل اختلاف، صرفاً بر اساس گستره درخواست متقاضی است،^{۱۷۴} هر چند در قضیه WT/DS217/84^{۱۷۵} نهاد از نص درخواست نیز فراتر رفت. از سوی دیگر برخی معتقدند طرف دعوا حتماً باید ذی‌نفع در آن قضیه باشد ولی رویه نهاد حل اختلاف، شیوه دیگری را در قضیه EC - Bananas در پیش گرفت. در این قضیه، رکن تجدیدنظر، وجود نفع را چنین معنا کرد که در واقع هر نقض معاهدات، برای همه اعضای سازمان، به‌وجودآورنده نوعی ذی‌نفعی وفق اصل اقدام جمعی^{۱۷۶} است.^{۱۷۷} البته باید در نظر داشت که به‌طور کلی وفق ماده ۱۰^{۱۷۸} موافقت‌نامه حل اختلاف،

167. WTO, *India - Patent Protection for Pharmaceutical and Agricultural Chemical Products*, WT/DS50/AB/R

168. WTO, *Canada — Continued Suspension*, WT/DS321/16.

169. "...The function of panels is to assist the DSB in discharging its responsibilities under this Understanding and the covered agreements. Accordingly, a panel should make an objective assessment of the matter before it..."

170. (A) Agreement Establishing the World Trade Organization (B) Multilateral Trade Agreements: Annex 1A: Multilateral Agreements on Trade in Goods Annex 1B: General Agreement on Trade in Services Annex 1C: Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights Annex 2: Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes (C) Plurilateral Trade Agreements: Annex 4: Agreement on Trade in Civil Aircraft - Agreement on Government Procurement - International Dairy Agreement - International Bovine Meat Agreement.

۱۷۱. Brazil — Desiccated Coconut پرونده

172. Pauwelyn. 2001. at 554.

173. David Palmeter. Petros C. Mavroidis. "The WTO legal system: sources of law." *American Journal of International Law* 92, 3 (1998): 400.

174. *Non ultra petita*

175. US — Offset Act (Byrd Amendment)

176. *Actio Popularis*

177. Matsushita. *The World Trade Organization: Law, Practice, and Policy*, 91.

178. "...The interests of the parties to a dispute and those of other Members under a covered agreement at issue in the dispute shall be fully taken into account during the panel process..."

ورود ثالث به دعوای مطروح به سان ماده ۱۷۹۶۲ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری ممکن است. به هر روی، این سؤال پیش می آید که آیا نهاد حل و فصل اختلاف، صلاحیت دارد که از مقررات مربوط به حقوق بین الملل عمومی یا حقوق بین الملل خصوصی یا حتی حقوق داخلی کشورها استفاده کند؟ در قضیه ۱۸۰ WT/DS38/6 جامعه اروپایی با طرح صلاحیت فراسرزمینی و دکتین عدم مداخله، ایالات متحده را نسبت به تحریم های وضع شده بر کوبا و نقض گت مورد سؤال قرار داد. البته این قضیه با تعلیق بخشی از قانون تحریمی ایالات متحده از سوی جامعه اروپایی پیگیری نشد ولی به هر روی، گروهی معتقدند که وفق بند ۲ از ماده ۳ موافقتنامه حل اختلاف،^{۱۸۱} نهاد اجازه دارد که بسته به وجود یا عدم حق خاص در موافقتنامه سازمان و همچنین نقض یا عدم نقض آن توسط مقررات خارج از سازمان، از آنها استفاده نماید. علاوه بر آن برخی وفق ماده ۱۱ تفاهم نامه و همچنین به استناد ماده ۳۱ تفاهم نامه وین در مورد حقوق معاهدات^{۱۸۲} معتقدند که نهاد حل و فصل اختلاف باید تمامی جوانب را، حتی اگر قانون یا عهدنامه ای خارج از سازمان باشد در نظر گیرد. برخی نیز نظری کاملاً متضاد با دو گروه قبلی دارند و معتقدند اساساً نهاد حل و فصل اختلاف حق ندارد از مقررات خارج از سازمان استفاده کند.^{۱۸۳} نهاد حل و فصل اختلاف در قضیه ۱۸۴ WT/DS50/10/Add.4 WT/DS79/6 و پیش از تأسیس سازمان، نهاد حل اختلاف گت در قضیه ۱۸۵ SCM/162 به قواعد و اصول حقوقی بین المللی مثل استاپل استناد کرده بودند.^{۱۸۶} البته باید توجه کرد که این اختلافات باید به شکل درخواست محور و بر اساس موافقتنامه های سازمان رخ داده و نزد نهاد مطرح شده باشند و اساساً دعوای کلی تجاری خارج از سازمان، در صلاحیت نهاد نیستند.^{۱۸۷} علاوه بر این و در صورت بروز اختلاف در صلاحیت، وفق نظریه رکن تجدیدنظر سازمان در پرونده ۱۸۸ WT/DS136/14/Add.32 نهاد حل و فصل اختلاف دارای صلاحیت بر صلاحیت^{۱۸۹} است^{۱۹۰} و به نظر می رسد باید برای صلاحیت نهاد، نوعی صلاحیت اجباری در اختلاف های برآمده از موافقتنامه های سازمان قائل بود.

179. "...Should a state consider that it has an interest of a legal nature which may be affected by the decision in the case, it may submit a request to the Court to be permitted to intervene..."

180. WTO, *US — Helms Burton*, WT/DS38/6.

181. "...The Members recognize that it serves to preserve the rights and obligations of Members under the covered agreements..."

182. "...any relevant rules of international law applicable in the relations between the parties..."

183. Ibid. at 87-88.

184. WTO, *India — Patents (US)*, WT/DS50/10/Add.4 WT/DS79/6.

185. United States - Measures Affecting Imports of Softwood Lumber from Canada

186. Palmeter. Ibid. at 408-409.

187. Pauwelyn. 2001, 553.

188. US — 1916 Act (EC)

189. La 'compétence de la compétence

190. Ibid. 556.

به هر روی، آرای نهاد حل و فصل اختلاف برای طرفین الزام‌آورند و این امر، همگن با بند ۱ از ماده ۱۹۱۹۴ منشور سازمان ملل متحد و ماده ۵۹^{۱۹۲} اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری است. علاوه بر آن، رکن تجدیدنظر و هیئت‌های حل اختلاف، از منظر تفسیر از مقررات مواد ۳۱ و ۳۲^{۱۹۳} عهدنامه وین تبعیت^{۱۹۴} و اساساً مفاد عهدنامه را شناسایی می‌کنند.^{۱۹۵}

نتیجه

چنانچه در پژوهش جاری گفته شد، نظام حقوقی حاکم بر تأسیس سازمان تجارت جهانی، مهم‌ترین نشانه و تأییدکننده تأثیر حقوق بین‌الملل عمومی بر ساختار و عملکرد این سازمان است. سازمان تجارت جهانی اساساً در بطن حقوق بین‌الملل ایجاد شده است و ماهیت تجاری آن به‌عنوان سازمان بین‌المللی که تابع حقوق بین‌الملل است، دلالت بر جدایی و انفکاک آن از حقوق بین‌الملل عمومی نمی‌نماید؛ حتی تصمیم‌های نهاد حل اختلاف می‌تواند به‌عنوان رویه قضایی بین‌المللی فرض شود. هرچند در برخی جوانب ممکن است حقوق سازمان تجارت جهانی احکامی جداگانه نسبت به کلیت حقوق بین‌الملل داشته باشد، به‌طور کلی و اساساً حقوق سازمان تجارت جهانی در طول حقوق بین‌الملل عمومی قرار می‌گیرد و به نظر باید نوعی رابطه عموم و خصوص مطلق را میان این دو حاکم دانست. در واقع همین جوانب نیز اساساً خروج موضوعی از حقوق بین‌الملل نداشته و وفق اصول و قواعد آن تعریف و تشریح می‌شوند.

مقررات سازمان تجارت جهانی به‌طور کلی در هماهنگی و همگنی با حقوق بین‌الملل تدوین شده‌اند و تصمیم‌های این سازمان، علی‌رغم ویژگی‌های خاص، در ماهیت حقوقی بین‌المللی آن تغییری ایجاد نمی‌کنند. در واقع با مذاقه در قضایای مطروح در نهاد حل اختلاف سازمان و معاهدات سازمان تجارت جهانی، تأثیرگذاری اصول حقوقی بین‌المللی مثل اصل انصاف، اصل وفای به عهد، اصل حسن‌نیت، اصل تناسب، اصل عطف به ماسبق‌نشدن (معاهدات)، قاعده استاپل، اصل لازم‌الاجرا بودن معاهده برای طرفین، اصل امر مختومه یا قضاوت‌شده، اصل مسئولیت دولتها و اصل برابری حاکمیت کشورها قابل توجه است.

191. "...Each Member of the United Nations undertakes to comply with the decision of the International Court of Justice in any case to which it is a party..."

192. "...The decision of the Court has no binding force except between the parties and in respect of that particular case..."

193. "... Recourse may be had to supplementary means of interpretation, including the preparatory work of the treaty and the circumstances of its conclusion, in order to confirm the meaning resulting from the application of article 31..."

194. Matsushita. *The World Trade Organization: Law, Practice, and Policy*, 89.

195. Cameron. *Principles of international law in the WTO Dispute Settlement Body*, 254.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

۱. پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن، *حقوق بین الملل* (به اهتمام محمد گلین)، تهران: نشر دیدار، ۱۳۸۵.
۲. ضیائی بیگدلی، محمد رضا، *حقوق بین الملل عمومی*. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹.
۳. _____، *حقوق معاهدات بین المللی*. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹.
۴. هردگن، ماتیاس، *اصول حقوق بین الملل اقتصادی*، ترجمه: محمد ضیائی بیگدلی و صادق ضیائی بیگدلی، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷.

- مقاله

۱. پلچ، کریستاف. «چگونه اعضای سازمان تجارت جهانی می توانند موانع ایالات متحده را در نهاد حل و فصل اختلاف دور بزنند؟» ترجمه: رهام دالائی. ۲۴ آوریل ۲۰۲۴. قابل دسترس در: https://bigdeliacademy.com/1403/02/05/wto_roham-dalaei
۲. خدایی فام، حجت و علیرضا آرش پور، «تبیین و تفسیر رفتار ملی گات در پرتو رویه رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت»، *مجله حقوقی بین المللی* ۳۶ شماره ۶۱ (۱۳۹۸). doi:10.22066/cilamag.2019.84635.149
۳. زمانی، سیدقاسم و محسن قاسمی، «تبیین نقش نهاد حل اختلاف سازمان تجارت جهانی در توسعه حقوق بین الملل»، *پژوهش های روابط بین الملل* ۱۲ شماره ۲ (۱۴۰۱). doi: 10.22034/irr.2022.334439.2162
۴. زمانی، سیدقاسم و مهریار راشدی، «ماهیت و قلمرو تعهد رفتار دولت کامله الوداد در چارچوب موافقت نامه عمومی تجارت خدمات»، *مجله حقوقی بین المللی* ۳۲ شماره ۵۳ (۱۳۹۵). doi:10.22066/cilamag.2016.1853

ب. انگلیسی

- Books

1. Amaral Júnior, Alberto do & Luciana Maria de Oliveira Sá Pires, Cristiane Lucena Carneiro, *The WTO Dispute Settlement Mechanism: A Developing Country Perspective*. Switzerland: Springer, 2019.
2. Eichengreen, Barry. *Globalizing Capital: A History of the International Monetary System*. New Jersey: Princeton University Press, 2008.
3. Guan, Wenwei. *WTO Jurisprudence: Governments, Private Rights and International Trade*. New York: Routledge: 2020.

4. Panizzon, Marion. *Good Faith in the Jurisprudence of the WTO: The Protection of Legitimate Expectations, Good Faith Interpretation and Fair Dispute Settlement (Studies in International Trade and Investment Law)*. Oxford, Hart Publishing, 2009.
5. Matsushita, Mitsuo & Thomas J. Schoenbaum, Petros C. Mavroidis, Michael Hahn, *The World Trade Organization: Law, Practice, and Policy*, New York: Oxford University Press, 2015.
6. Pauwelyn, Joost, *Conflict of Norms in Public International Law: How WTO Law Relates to other Rules of International Law*, New York: Cambridge University Press, 2003.
7. Sacerdoti, Giorgio, "The nature of WTO arbitrations on retaliation" in *Economics and Politics of Retaliation in WTO Dispute Settlement*, Edited by Chad P. Bown & Joost Pauwelyn (New York: Cambridge University Press, 2010).

- Articles

1. Cameron, James and Kevin R. Gray. "Principles of International Law in the WTO Dispute Settlement Body." *International & Comparative Law Quarterly* 50, no. 2 (2001) (<https://doi.org/10.1093/iclq/50.2.248>)
2. Gentile, Dominic A. "International Trade and the Environment: What is the Role of the WTO?." *Fordham Environmental Law Review* 195 (2009)
3. Mitchell, Andrew D. and David Heaton, "The Inherent Jurisdiction of WTO Tribunals: The Select Application of Public International Law Required by the Judicial Function", *Michigan Journal of International Law* 31, no. 559 (2010). (<https://doi.org/10.2139/ssrn.1433616>)
4. Palmeter, David, & Petros C. Mavroidis. "The WTO legal system: sources of law." *American Journal of International Law* 92, no. 3 (1998) (<https://doi.org/10.1093/iclq/50.2.248>)
5. Pauwelyn, Joost. "The Role of Public International Law in the WTO: How far can we go?." *American Journal of International Law* 95, no. 3 (2001) (<https://doi.org/10.2307/2668492>)
6. Mitchell, Andrew D. "The legal basis for using principles in WTO disputes." *Journal of International Economic Law* 10, no. 4 (2007) (<https://doi.org/10.1093/jiel/jgm037>)

- Cases

1. ICJ, *Certain Norwegian Loans (France v. Norway)* I.C. J. Reports 1957.
2. ICJ, *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)*, I.C. J. Reports 9 Apr 1984.
3. WTO, *Brazil — Measures Affecting Desiccated Coconut*, WT/DS22, 30 Nov 1995.
4. WTO, *Canada — Continued Suspension of Obligations in the EC — Hormones Dispute*, WT/DS321, 8 Nov 2004.

5. WTO, *Canada — Term of Patent Protection*, WT/DS170, 6 May 1999.
6. WTO, *European Communities — Export Subsidies on Sugar*, WT/DS265, 27 Sept 2002.
7. WTO, *European Communities — Regime for the Importation, Sale and Distribution of Bananas (III)*, WT/DS27, 5 Feb 1996.
8. WTO, *European Communities — Trade Description of Sardines*, WT/DS231, 20 Mar 2001.
9. WTO, *India — Patent Protection for Pharmaceutical and Agricultural Chemical Products*, WT/DS50, 2 July 1996.
10. WTO, *Indonesia — Certain Measures Affecting the Automobile Industry*, WT/DS59, 8 Oct 1996.
11. WTO, *Japan — Taxes on Alcoholic Beverages*, WT/DS10, 7 July 1995.
12. WTO, *Mexico — Anti-Dumping Investigation of High-Fructose Corn Syrup (HFCS) from the United States*, WT/DS132, 8 May 1998.
13. WTO, *Thailand — Anti-Dumping Duties on Angles, Shapes and Sections of Iron or Non-Alloy Steel and H Beams from Poland*, WT/DS122, 6 Apr 1998.
14. WTO, *The Australian Subsidy on Ammonium Sulphate*
15. WTO, *United States — Anti-Dumping Measures on Certain Hot-Rolled Steel Products from Japan*, WT/DS184, 18 Nov 1999.
16. WTO, *United States — Continued Dumping and Subsidy Offset Act of 2000*, WT/DS234, 21 May 2001.
17. WTO, *United States — Definitive Safeguard Measures on Imports of Circular Welded Carbon Quality Line Pipe from Korea*, WT/DS202, 13 June 2000.
18. WTO, *United States — Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products*, WT/DS61, 25 Oct 1996.
19. WTO, *United States - Measures Affecting Imports of Softwood Lumber from Canada*
20. WTO, *United States — Safeguard Measure on Imports of Fresh, Chilled or Frozen Lamb from New Zealand*, WT/DS177, 16 July 1999.
21. WTO, *United States — Standards for Reformulated and Conventional Gasoline*, WT/DS2, 24 Jan 1995.
22. WTO, *United States — Tax Treatment for “Foreign Sales Corporations”*, WT/DS108, 18 Nov 1997.
23. WTO, *United States — Transitional Safeguard Measure on Combed Cotton Yarn from Pakistan*, WT/DS192, 3 Apr 2000.
24. WTO, *United States — Use of Zeroing in Anti-Dumping Measures Involving Products from Korea*, WT/DS402, 24 Nov 2009.
25. WTO, *US — Helms Burton (United States — The Cuban Liberty and Democratic Solidarity Act*, WT/DS38. 3 May 1996)

- International Instruments

1. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights 1966 (adopted 16 December 1966, entered into force 3 January 1976) https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?chapter=4&mtdsg_no=I-V-3&src=TREATY.
2. The Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights 15 April 1994. https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/27-trips_01_e.htm
3. The General Agreement on Tariffs and Trade 1947. https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/gatt47_e.htm.
4. The General Agreement on Trade in Services of the World Trade Organization 1995. https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/gats_e.htm
5. The Marrakesh Agreement 1994. https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/marag_e.htm
6. Understanding on Rules And Procedures Governing the Settlement of Disputes 1994. https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/dsu_e.htm
7. United Nations Charter 1945 (Adopted 26 June 1945, Entered into force 24 October 1945). <https://treaties.un.org/doc/publication/ctc/uncharter.pdf>
8. Vienna Convention on the Law of Treaties 1969 (Adopted 23 May 1969, 27 January 1980). https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/1_1_1969.pdf

- Documents

1. European Parliamentary Research Service, Jana Titievskaia. Lona Zamfir. "WTO rules: Compatibility with human and labour rights." 2021. [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2021/689359/EP_RS_BRI\(2021\)689359_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2021/689359/EP_RS_BRI(2021)689359_EN.pdf).